



خروج روح؛ غایت کمال معنوی در آئین «اکنکار» / در آیین «اِک» جایی برای خدا وجود ندارد

غایت و هدف نهایی در آئین معنوی «اِک» خروج روح از بدن معرفی می‌شود؛ این درحالی است که اسلام هدف از خلقت را نه خروج روح از بدن، بلکه «عبودیت» یا «قرب» می‌داند ...

آسیب‌شناسی عرفان‌های کاذب

محمدتقی فعالی:

خروج روح؛ غایت کمال معنوی در آئین «اکنکار« / در آیین «اِک« جایی برای خدا وجود ندارد
غایت و هدف نهایی در آئین معنوی «اِک« خروج روح از بدن معرفی می‌شود؛ این درحالی است که اسلام هدف از خلقت را نه خروج روح از بدن، بلکه «عبودیت« یا «قرب« می‌داند و خروج روح از بدن یکی از مراحل و منازل است که سالک در آغاز راه به آن نائل می‌شود؛ از سوی دیگر در آیین اِک جایی برای خدا وجود ندارد و در آن تنها سخن از بهشت سوگماد است.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمدتقی فعالی، مدرس حوزه و دانشگاه و نگارنده 9 جلد کتاب در باب جنبش‌های نوظهور معنوی، در سیزدهمین نشست از سلسله نشست‌های «آسیب‌شناسی عرفان‌های کاذب« که در سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشجویان کشور برگزار شد، به ایراد سخنرانی پرداخت.

فعالی با اشاره به آئین اِک یا اکنکار اظهار کرد: در میان کیش‌های نوظهور در ایالات متحده آمریکا تنها آئینی که مخصوص این کشور و برخاسته از درون آن است، آئین اکنکار است. مؤسس این آئین شخصی به نام پال توئیچل است که وی در ارتش ایالات متحده آمریکا خدمت می‌کرد.

وی با بیان این‌که آئین اکنکار در جهان تا به امروز 56 کتاب منتشر کرده است، اضافه کرد: تمام این کتاب‌ها ترجمه، چاپ و منتشر شده و حتی برخی از این کتاب‌ها با تیراژهای بالا بیش از 20 مرتبه تجدید چاپ شده است.

این استاد حوزه و دانشگاه با تأکید بر این‌که از جمله کتب این آئین کتاب اول پال توئیچل با عنوان «دندان ببر« است، گفت: کتاب دوم آئین اِک از نقطه نظر اهمیت کتاب «نسیم تحول« نوشته هارولد کلمپ است. همچنین کتاب «اکنکار کلید اسرار جهان« از جمله کتب معروف در این آئین محسوب می‌شود.

فعالی ادامه داد: از دیگر کتب مهم در آئین اکنکار دو کتاب با عناوین «کتیبه رشیدیہ« و «شریعت کی‌سوگماد« (به معنی شریعت برای سوگماد) است که کتاب اخیر برای پیروان این آئین حکم رساله عملیه دارد. سوگماد در حقیقت همان بهشت موعود است که در طبقات بالای جهان وجود دارد.

در دین مبین اسلام خروج روح از بدن هدف نیست؛ بلکه یکی از مراحل و منازل است که سالک در آغاز راه به آن نائل می‌شود. هدف و غایت سلوک چیزی جز وصول به مقام قرب الهی نیست. از سوی دیگر در آیین اِک جایی برای خدا وجود ندارد، در این مکتب فقط سخن از بهشت سوگماد است که ارتباطی به خداوند ندارد

این محقق و پژوهشگر با بیان این‌که تعالیم آئین اِک نسبت به دیگر آئین‌ها از یک پیچیدگی خاصی برخوردار است، عنوان کرد: در این جلسه در چند محور به‌طور خلاصه به اندیشه‌های این آئین اشاره می‌شود و در نهایت یک نگاه منتقدانه را نسبت به آئین اکنکار مورد بررسی قرار خواهیم داد.

وی افزود: مهم‌ترین مؤلفه آئین اکنکار پدیده‌ای با نام «سفر روح« است. در این اعتقاد بیان می‌شود که زمین سفرگاه است و در این زمین رهبران معنوی فراوانی وجود دارند که نام این رهبران «سفیران روح« یا «مسافران بهشت« است. این رهبران به دنبال این پدیده هستند که انسان را به چنان تعالی برسانند که روح از بدن ایشان خارج شود.

فعالی با بیان این‌که از نظر آئین اِک اگر انسان بتواند با تعالیمی که در این آئین مطرح می‌شود کاری کند که روح از بدنش خارج شود، او به اوج معنویت و تعالی رسیده است، تصریح کرد: در یک کلام می‌توان چنین بیان کرد که عصاره آئین اکنکار جداسازی روح از بدن و سفر به هر نقطه، مکان یا زمانی است که بخواهد.

این استاد حوزه و دانشگاه خاطرنشان کرد: پال توئیچل عنوان می‌کند که در سن سه سالگی از پدر و پدربزرگش آموخته است که

چگونه روحش را از بدنش جدا کند. وی سپس عنوان می‌کند که تمامی اهالی منزل جز ناخواه‌ری وی به سادگی روح خود را از بدنشان جدا می‌کردند. حتی وی اضافه می‌کند که در سن 14 سالگی چنان به سادگی روح خود را از بدنش جدا می‌کرد که دیگر مردمان آب می‌خورند.

فعالی با بیان این‌که بیش از 80 درصد از آموزه‌های این آئین تکنیک‌های خروج روح از بدن است، گفت: کسی‌که بتواند در هر زمان و مکان روح خود را از بدنش جدا کند، از جمله رهبران برجسته آئین اک در جهان محسوب می‌شود، حال چه خود بداند یا نداند و چه خود بخواهد یا نخواهد. روح (آتماساروپ) کالبد طبیعی انسان است که اکثریت نسل متفکر طی اعصار متمدنی استفاده‌ی صحیح از آن را فراموش کرده‌اند.

وی ادامه داد: اساتید فن سفر روح که توانسته‌اند به کالبد معنوی و ماورائی سفر کنند، سعی بر این داشتند که این فن را به جویندگان بیاموزند؛ فنی برای سیاحت قلمرو بهشت. برای اساتید، کره خاکی مدرسه قدیمی و بزرگ بوده است و حضور در این مدرسه صرف‌نظر از یادگیری، روش خواندن و نوشتن و حل محاسبات پیچیده، دلیل دیگری هم دارد و آن یافتن راه بازگشت به طبقات فوقانی عالم است.

این محقق و پژوهشگر خاطرنشان کرد: هدف انکار (حکمت باستانی برای سفر روح) آموزش علوم پایه است. قادر ساختن روح برای ترک کالبد فیزیکی و سفر آن به سمت دنیا‌های معنوی ماوراء و در نهایت وصول به هدف نهایی یعنی وصول به سرزمین بهشت حقیقی «آنامی لوک» جایی که «سوگماد» در آن به سر می‌برد، لذا می‌توان انکار را به‌عنوان حکمت باستانی برای سفر روح در عصر حاضر معرفی کرد.

وی با تأکید بر این‌که عصاره آئین اک خروج روح از بدن است و این اوج تعالی و تکامل در جهت رسیدن به معنویت و بینش انسان در این آئین به‌شمار می‌آید، اظهار کرد: حال باید به این سؤال پاسخ گفت که بپرض این افراد بتوانند خروج روح از بدن داشته باشند، آیا این پدیده اوج تعالی بشر محسوب می‌شود.

وی ادامه داد: پاسخ این پرسش از نگاه عقلی و دینی واضح و مشخص است. در نگاه دینی و از منظر قرآن هیچ‌گاه اوج تعالی انسان خروج روح از بدن معرفی نشده است، همان‌طور که قبلاً در مورد کسب قدرت‌های معنوی نیز سخن به تفصیل رانده شد که این مطلب نیز از سوی خالق بشر به عنوان غایت خلقت وی در نظر گرفته نشده و معرفی نشده است.

فعالی با بیان این‌که غایت خلقت بشر و اوج تعالی وی تنها یک چیز است، خاطرنشان کرد: تنها راه تعالی انسان آشتی وی با خالق خود و آشنایی او با اسمای زیبای خدا است. در یک حساب منطقی ساده می‌توان این‌گونه مطرح کرد که این جهان خالقی دارد و بندگان مخلوق او هستند، لذا اوج تعالی هر مخلوقی در این است که به خالق خود نزدیک شود. خالق هستی این مفهوم را در مضامین دینی و آخرین نامه‌اش به بندگان با نام قرآن کریم، از این مفهوم با عنوان «عبودیت» یا «قرب» یاد کرده است.

وی تصریح کرد: سؤالی جدی و اساسی در برابر فلسفه انکار به‌عنوان یک مکتب معنوی که شاکله آن را سفر روح تشکیل می‌دهد، وجود دارد و آن این‌که هدف از سفر روح چیست؟ سراسر این مکتب به دنبال آن است که انسان سفر روح کند و روح را از بدن خارج نماید. باید پرسید هدف این عمل چیست؟ و ما با این عمل به دنبال چه نتیجه‌ای هستیم؟

فعالی خاطرنشان کرد: ظاهراً مکتب اک پاسخی برای این سوال ندارد؛ یعنی همین را غایت و هدف نهایی می‌داند. این در حالی است که در دین مبین اسلام خروج روح از بدن هدف نیست؛ بلکه یکی از مراحل و منازل است که سالک در آغاز راه به آن نائل می‌شود. هدف و غایت سلوک چیزی جز وصول به مقام قرب الهی نیست. از سوی دیگر در آیین اک جایی برای خدا وجود ندارد، در این مکتب فقط سخن از بهشت سوگماد است که ارتباطی به خداوند ندارد.

این استاد حوزه و دانشگاه با بیان این‌که از سوی دیگر قیامت هم در تفکر اک جایگاهی ندارد، اضافه کرد: کافی است به این جمله توییچل توجه کنیم که می‌گوید: فرضیه جهنم توسط کلیسا اختراع شد تا بشر را با ترساندن از کیفر برادرکشی، بیشتر به سوی تمدن سوق دهد! کلیسا مجبور بود ترس از کیفر اخروی و امثال آن را بیافریند تا بدین‌وسيله توده‌های مردم را هرچه بیشتر تحت کنترل داشته باشد.

قیامت هم در تفکر اک جایگاهی ندارد، کافی است به این جمله توییچل توجه کنیم که می‌گوید: فرضیه جهنم توسط کلیسا اختراع شد تا بشر را با ترساندن از کیفر برادرکشی، بیشتر به سوی تمدن سوق دهد!

وی خاطرنشان کرد: توئیچل کلمه خدا را زیاد به کار می‌برد، اما منظور او چیست؟ تأمل در سخنان او نکاتی را روشن می‌سازد. در اینجا به برخی سخنان وی درباره خدا می‌نگریم و سپس نکاتی یادآوری می‌شود. وی می‌گوید:

&171#ما در ذات خود از همان جوهریم که خدای تعالی/ ما همه يك روح هستیم/ خدا روح است و می‌بایست در قالب روح و حقیقت پرستش شود/ ماده، چیزی نیست جز روح خدا که به شکل‌های پایین‌تری درآمد.

آنچه می‌خواهم بگویم این است که خدا به صورت روحی تشریح می‌شود که در تمامی وجود همه چیزهاست، همین زمان و همین مکان/ روح خدا یا يك به آن ترتیب که می‌نامیمش، عملاً خود سوگماد نیست، بلکه آن چیزی است که از او ساطع می‌شود/ در بسیاری مواقع نمی‌توان بین روح خدا و خود خدا وجه تمایزی قائل شد/ خدا مؤنث و مذکر و آن است/ ما خود حقیقت هستیم، حقیقت زنده و تجسم خود خدا.

خدا در درون همه چیز وجود دارد، اما در مورد هر چیز زنده در این کهکشان یا در سرتاسر جهان هستی بی‌تفاوت است/ به عنوان يك مقام الهی او می‌بایستی نگران زندگی در آن مرتبه باشد/ از آنجا که خدا همان آگاهی است که در حال کار و فعالیت در تمام موجودات است، چنین نتیجه می‌شود که ما باید با وجود خود به توافق برسیم و در واقع از ملاحظات که وجود حقیقی ما وضع کرده، تبعیت کنیم.

خدا در مورد آنچه در جهان می‌گذرد، بی‌تفاوت است؛ زیرا که این دنیا چون ماشینی است که پس از روشن‌کردن آن خودبه‌خود به کارش ادامه خواهد داد، تمام آنچه پس از آن باقی می‌ماند نظارت خداست به جهان و عملکردهای مکانیکی آن/ سفر روح هیچ کاری با طبقات مختلف ندارد، مگر با بالاترینش که طبقه خداست.

آیا خدا می‌تواند با ما مادامی که در جسم مادی هستیم صحبت کند؟ پاسخ البته منفی خواهد بود. ما می‌توانیم هر خدایی را که میل داریم پرستش کنیم/ ما آگاهیم که این خدا نیست که درون ماست بلکه اقلیم بهشتی است که در درون ما واقع است و این اقلیم بهشتی همان است که ما بدان روح حق می‌گوییم.

روح خدا یا نفس خدا آنچنان که در فلسفه هندو نامیده می‌شود، منشأ تمام چیزهایی است که روح را تشکیل می‌دهد، آن روحی که به خودی خود می‌تواند در يك گیاه، درخت، حیوان و یا انسان قرار گرفته باشد/ برای خدا هیچ تفاوتی نمی‌کند که چه شکلی به خود بگیرد و پس از پذیرفتن این شکل تنها آن چیزی را دریافت می‌کند که قابلیتش را داشته باشد.

فعالی پس از اشاره به این سخنان و آموزه‌های توئیچل، اظهار کرد: در این کلمات تناقض‌هایی به چشم می‌خورد؛ زیرا وی از يك طرف می‌گوید: خدا در درون هر چیزی است و از طرف دیگر می‌گوید: این خدا نیست که در درون ماست، بلکه اقلیم بهشتی است که در درون ما واقع است. از سوی دیگر توئیچل درباره مراتب انسان، نکاتی را مطرح می‌کند که این بحث ریشه در یوگا و مسأله بدن‌ها و چاکراها دارد؛ لذا این مسئله همانند بسیاری از مسائل دیگر انکار، ریشه هندی دارد.